

روش تفسیری شریف لاهیجی در بهره‌گیری از اختلاف قرائات

امیر توحیدی^۱

چکیده

یکی از مسائل مهم در تفسیر شریف لاهیجی، استفاده او از روایات مربوط به اختلاف قراءات است. در این مقاله ضمن ارائه شرح حال مختصری از مفسر، اقسام این قراءات بیان شده و سپس برای هر قسم شواهدی ذکر گردیده است. این مقام تنها به توصیف این قرائات می‌پردازد و داوری آن به خوانندگان احاله شده است. واژه های کلیدی: شریف لاهیجی، قرائات، روایات اختلاف قرائات، روش تفسیری.

۱. مقدمه

در این مقاله به معرفی شریف لاهیجی و تفسیر او و روش تفسیرش و نیز اختلاف قرائات در تفسیر او پرداخته می‌شود.

بهاء الدین محمد علی بن عبد الوهاب شریف دیلمی لاهیجی اشکوری، از علمای امامیه در قرن یازدهم هجری و از شاگردان میرداماد است که با محمدین ثلاثه اواخر (محدث کاشانی، علامه مجلسی و شیخ حر عاملی) معاصر بوده است (نک: ارموی، مقدمه تفسیر لاهیجی، ۵).

شیخ حر عاملی در قسمت دوم «امل الامل» مسمی به «تذکره المتبحرین فی علماء المتأخرین» در مورد شریف لاهیجی چنین نگاشته است: «مولانا قطب الدین^۱ محمد

A.Tohidi110@Gmail.com

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

بن علی الشریف^۲ الدیمی اللاهجی فاضل عالم جلیل القدر، له مصنفات منها رساله فی العالم المثالی و غیر ذلك و هو من المعاصرین» (حر عاملی، ۲/۲۵۶).

حاج شیخ عباس قمی نیز در کتاب «الکنی واللقاب» و سفینه البحار «شریف لاهیجی را این گونه وصف می کند: «قطب الدین الاشکوری محمد بن شیخ علی الشریف الدیلمی اللاهجی الحکیم العارف المتأله الفاضل صاحب کتاب محبوب القلوب و رساله فی العالم المثالی تلمیذ المحقق الداماد» (قمی، الکنی واللقاب ۴/۷۹؛ همو سفینه البحار، ۲/۴۲۸).

صاحب ریحانه الادب فقط به سه اثر از آثار شریف لاهیجی به نام های ۱. ثمره الفؤاد؛ ۲. رساله ای در عالم مثال؛ ۳. محبوب القلوب اشاره کرده است (مدرس تبریزی، ۳ و ۴/۴۷۵ و ۴۷۶) و حال آن که «تفسیر شریف لاهیجی»، «خیر الرجال»، «لطائف الحساب»، و «شرح صحیفه سجادیه» نیز از دیگر آثار او به شمار می رود. در میان این

۱. نام مؤلف همواره با لقب «قطب الدین» همراه است جز در این کتاب تفسیر و کتاب «خیر الرجال» که خود وی لقب «بهاء الدین» را ذکر کرده است و همین اختلاف باعث شده که حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب «مصافی المقال فی مصنفی علم الرجال» از قطب الدین لاهیجی و بهاء الدین لاهیجی به طور جداگانه نام برده و در ذیل بهاء الدین در ۴۱۶ صریحاً گفته است: «و اظن ان صاحب الترجمة غیر المولی قطب الدین الاشکوری صاحب محبوب القلوب المذكور فی ۳۶۹» ولی در کتاب «الذریعه» در عنوان «خیر الرجال» از این نظر عدول کرده و مرقوم داشته است: «الفه الشیخ بهاء الدین محمد بن الشیخ ملا علی الشریف اللاهجی، المظنون قویاً انه هو الذی ترجمه الشیخ الحر فی «امل الامل» به عنوان «مولانا قطب الدین محمد بن علی ...» (ارموی، مقدمه تفسیر لاهیجی، ۷).

۲. کلمه «شریف» در اصطلاح عربها مرادف است با لفظ «سید» که در فارسی بر کسی که از طرف پدر منسوب به «هاشم» است، اطلاق می شود، و از همین قبیل است عنوان «شریف» برای «شریف رضی» و «شریف مرتضی» و «شرفاء مکه»؛ ولی در اصطلاح فارسی به کسانی گفته می شود که از طرف مادر هاشمی باشند و درباره مفسر طبق همین اصطلاح فارسی اطلاق شده است و خودش در خاتمه «محبوب القلوب» به این معنا تصریح کرده است (همو، ۸).

تألیفات کتاب «محبوب القلوب» و «خیر الرجال» مربوط به علم رجال است و از تبخّر کافی شریف لاهیجی در این علم حکایت می‌کند.

مفسّر، خود در مقدمه تفسیرش می‌گوید: «غرض این است که ترجمه‌ای مختصر و قابل اعتماد بر مبنای مذهب امامیه برای قرآن بنویسیم»؛ ولی بی تردید مراد وی از «ترجمه» در این مقام، تفسیر است؛ زیرا تفسیر او چیزی فراتر از ترجمه است. هر چند مفسّر طبق مذاق اهل حدیث تفسیر خود را انگاشته؛ ولی در عین حال همانند تفسیر برهان، نور الثقلین، فرات، عیاشی تنها به نقل روایات اکتفا نکرده و با شرح و بسط احادیث وارده ذیل آیات، صبغه اجتهادی به تفسیر خود داده است.

شریف لاهیجی تألیف تفسیرش را در «بنته» یا «پشای» هند در سال ۱۰۸۶ق به پایان رسانیده است. این تفسیر در چهار جلد قطور به زبان فارسی به طبع رسیده است. روش تفسیری شریف لاهیجی به این گونه است که در آغاز چند آیه را ذکر می‌کند. آنگاه به ترجمه فارسی آمیخته با تفسیر به طور اجمال - و نه به شکل تحت الفظی - می‌پردازد. عبارات آن ساده و روان و خالی از تعقید و برای متوسطین از مخاطبین به خوبی قابل فهم است. سپس روایات اهل بیت(ع) را در تفسیر آیه نقل و آنها را به اختصار شرح کرده است.

مفسّر سعی دارد، بین روایاتی که به ظاهر با هم سازگاری ندارند، سازش ایجاد کند و تنافی ظاهری آنها را بر طرف نماید. وی به دلیل تبخّر که در علم رجال داشته در ضمن نقل روایات تفسیری، بعضاً به نکات رجالی در مورد راویان این احادیث نیز اشاره کرده است. شریف لاهیجی در نقل روایات از کتبی همچون کافی، تهذیب، استبصار، تفسیر عیاشی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، عیون اخبار الرضا بهره برده است.^۱ مفسّر در بخش‌های ادبی و بلاغی و نیز نقل قصص تاریخی به اختصار وارد شده و اطناب نداده است. وی هم‌چنین در مباحث فقهی، به طور معمول مفسّران شیعی، دیدگاه‌های مذهب خود را بیان کرده و در این بخش نیز از اطناب و تفصیل پرهیز نموده است.

۱. آقای دکتر عبدالحمید آیتی - مصحح جلد سوم و چهارم تفسیر شریف لاهیجی - در مقدمه خود بر جلد چهارم، فهرست تمام کتبی را که مؤلف در تفسیر شریفش از آنها روایت کرده، آورده است.

۲. اختلاف قراءات در تفسیر شریف لاهیجی

شریف لاهیجی برای تفسیر و تبیین آیات به روایات اهل بیت (ع) تمسک جسته است و در زمینه قرائات نیز همین روش را پیشه خود ساخته و روایاتی را در ذیل آیات از ائمه هدی (ع) نقل کرده که بازگو کننده اختلاف قرائات اهل بیت (ع) با قراءات مشهور است.

البته ایشان بعضاً اختلاف قرائات را از نظر قرآء سبعة و دیگران نیز بیان کرده؛ ولی در این مقاله تنها به اختلاف قراءاتی پرداخته شده است که منسوب به ائمه هدی (ع) است و از ایشان روایت شده است.

تذکر این نکته ضروری است که ما در اینجا بنا نداریم به بررسی صحت و سقم این روایات بپردازیم و آنها را از جهت سند و متن، مورد نقد و بررسی قرار دهیم؛ بلکه سعی ما در این مقاله بر ارائه گزارشی از اختلاف قرائات در تفسیر شریف لاهیجی و نحوه بهره‌مندی مفسر از این گونه قرائات است.

ما برای نیل به این مقصود، استقراء کاملی از چهار مجلد تفسیر شریف لاهیجی به عمل آوردیم و حدود ۱۵۱ مورد از اختلاف قراءات را استخراج نمودیم که برای آگاهی و توجه بیشتر خوانندگان عزیز شماری از آنها را به صورت ۱۱ عنوان به شرح ذیل یادآور می‌شویم.

۲. ۱. اختلاف در نقطه

یکی از انواع اختلاف قرائاتی را که شریف لاهیجی در تفسیرش یاد کرده، ناظر به اختلاف در نقطه برخی از کلمات قرآن است؛ نظیر «شغفها» در آیه ذیل:

وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَةٌ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (یوسف، ۳۰)؛ و زنانی در شهر گفتند: «زن عزیز مصر از غلامش کام خواسته است. بی شک [غلامش] او را دل‌باخته محبت خود ساخته است. به راستی ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.

در تفسیر شریف لاهیجی (۵۱۳/۲) به نقل از تفسیر مجمع البیان (۳۴۹/۳) چنین آمده است: «قراءت امیرالمومنین و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر

صادق علیهم السلام "شعفها" با عین مهمله است؛ یعنی یوسف زلیخا را از روی دوستی سوزانده است».

۲.۲. اختلاف در نقطه و حرکت

برخی از موارد اختلاف در قرائات قرآن به اختلاف در نقطه و حرکت بر می گردد؛ نظیر کلمه «صللنا» در آیه ذیل:

وَ قَالُوا إِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ (السجدة، ۱۰)؛ وگفتند: «آیا وقتی که ما در زمین ناپدید شویم، آفرینش تازه ای خواهیم یافت؟» بلکه آنان به لقاء پروردگارشان (برانگیخته شدن) کافرنند.

در تفسیر شریف لاهیجی (۵۹۴/۳) به نقل از تفسیر جوامع الجامع (۲۶۱/۲) چنین آمده است: «مرویست که قرائت حضرت امیر المومنین (ع) أَ إِذَا ضَلَلْنَا بفتح صاد مهمله و کسر لام است؛ یعنی وقتی که اجساد ما در قبر گندیده شود، باز زنده خواهیم شد؟ چنان که در جوامع الجامع گفته است: «روی عن علی (ع) و ابن عباس: صللنا بالصاد و کسر اللام من صل اللحم و اصل اذا اتنن؛ وقتی گوشت فاسد شود، گفته می شود».

۳.۲. اختلاف در حرکات با تغییر در معنا

در تفسیر شریف لاهیجی می توان به شانزده مورد تحت این عنوان اشاره کرد که سه مورد را ذکر می کنیم و بقیه را ارجاع می دهیم.

الف. إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (المائدة، ۱۱۲)؛ و هنگامی که حواریون گفتند: «ای عیسی پسر مریم! آیا پروردگار تو می تواند خوانی از آسمان بر ما نازل کند؟» [عیسی] گفت: «اگر ایمان دارید از خدا پروا کنید».

در تفسیر شریف لاهیجی (۷۲۵/۱) به نقل از تفسیر عیاشی (۸۵/۲) چنین آمده است: «عن یحیی الحلبی فی قوله. هل یستطیع ربک قال: «قرائتها تستطیع ربک یعنی هل یستطیع أن تدعو ربک» یعنی یحیی بن عمران حلبی - که یکی از روات حضرت صادق

و کاظم علیهما السلام است و ثقه و صحیح الحدیثست - حدیثی مقطوع روایت کرده که: قرائت آیه «هل يستطيع ربك» به طریق خطاب و نصب «ربك» است؛ یعنی حواریین خطاب به عیسی گفتند که: «آیا تو استطاعت و قدرت داری که بخوانی پروردگار خود را که برای ما از آسمان خوانی از طعام فرو فرستد؟»

ب. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (التوبة، ۱۲۸)؛ همانا برای شما پیامبری از خودتان آمد که رنج کشیدنتان بر او دشوار است، بر [هدایت] شما حریص است، و نسبت به مؤمنان مهرورز مهربان است. در تفسیر شریف لاهیجی (۳۳۴/۲) به نقل از تفسیر جوامع الجامع (۵۶۵/۱) این گونه آمده است: «بعضی گفته اند که قرائت حضرت رسالت پناه (ص) و فاطمه زهرا علیهما السلام "من أنفسکم" بفتح فاست؛ نه بضم آن، ای من أشرفکم و افضلکم».

ج. وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ (الرعد، ۴۳)؛ و کسانی که کافر شدند می گویند: «تو فرستاده [از جانب خدا] نیستی.» بگو: «خداوند و کسی که نزد او علم کتاب است کافی است که میان من و شما گواه باشند.»

در تفسیر شریف لاهیجی (۶۳۸/۲) به نقل از تفسیر مجمع البیان (۴۶۰/۳) چنین آمده است: «قرائت پیغمبر صلوات الله علیه و آله و قرائت علی (ع) است که «من عنده» را بکسر میم و کسر دال می خوانده اند و علی (ع) «علم الكتاب» را بصیغه مجهول می - خوانده به این معنی که کافی است خدای تعالی گواه میانه من و میانه شما و از نزد خدای تعالی دانسته شد. حقایق قرآن و یا از نزد اوست دانستن کتاب، اگر «علم الكتاب» موافق مشهور خوانده شود.»

اما موارد دیگر عبارت اند از: آیه ۱ طه (۴۷/۳ و ۴۸)؛ آیه ۱۳ نمل (۴۰۹/۳)؛ آیه ۱۱۲ مائده (۷۲۵/۱)؛ آیه ۱۲۸ توبه (۳۳۴/۲)؛ آیه ۱۰۲ کهف (۹۴۱/۲)؛ آیه ۴۳ رعد (۶۱۵/۲)؛ آیه ۱۹ سبأ (۶۸۲/۳)؛ آیه ۵۲ یس (۷۵۳/۳)؛ آیه ۵۱ نور (۳۰۳/۳)؛ آیه ۱۲ توبه (۲۳۳/۲۳۲/۲۳۱)؛ آیه ۳۷ توبه (۲۵۹/۲)؛ آیه ۳۷ ابراهیم (۶۴۳/۲)؛ آیه ۵۰ ابراهیم (۶۵۳/۲)؛ آیه ۳۴ ابراهیم (۶۸۳/۲)؛ آیه ۴۱ سوره ابراهیم (۶۴۵/۲)؛ و آیه ۴۱ حجر (۶۷۱/۲ و ۶۷۲).

۲. ۴. اختلاف در حروف فقط با تغییر در صورت

ذیل این عنوان به سه مورد می توان اشاره کرد که دو مورد آن را اینجا می آوریم و یک مورد را ارجاع می دهیم:

الف. فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا (الاسراء، ۵)؛ پس هر گاه وعده [عقوبت تباهاکاری] اول از آن دو [وعده] فرا رسد، بندگان [خاص] خود را که جنگاورانی سهمگین اند، بر ضد شما برمی انگیزیم که میان خانه ها به جستجو درآیند و این وعده ای است انجام شدنی.

در تفسیر شریف لاهیجی (۷۷۵/۲) به نقل از تفسیر مجمع البیان (۶۱۳/۲) چنین آمده است: «قرائت حضرت امیرالمومنین (ع) "عبیدا لنا" است».

ب. وَ نَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رِبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَأْكُونُ (الزخرف، ۷۷)؛ و ندا دهند: «ای مالک! باید [از] پروردگارت [بخواهی] بر ما حکم [مرگ] کنی!» [مالک] گوید: «مسلماً شما ماندنی هستید».

در تفسیر شریف لاهیجی (۹۴/۴) به نقل از تفسیر مجمع البیان (۸۶۷/۵) چنین آمده است: «قراءات شاذه «یا مال» است بحذف کاف و بعد از این گفته است که: «و روی ذلک عن علی(ع) و درین حذف و ترخیم اشعارست بر ضعف و ناتوانی دوزخیان بحیثیتی که اداء کلام خود را بالتمام نتوانند نمود و در صورت حذف کاف یا مال را بکسر لام و ضم لام هر دو خوانده اند؛ اما کسر بنا بر اصل و اماضم بنا بر آنکه منادی مفردست».

مورد دیگر نیز آیه ۴۶ سوره یوسف (۵۲۲/۲ و ۵۲۳) است.

۲. ۵. اختلاف در حروف، فقط با تغییر در معنا

ذیل این عنوان می توان به هفت مورد اشاره کرد که سه مورد آن را در اینجا ذکر کرده و بقیه را ارجاع می دهیم.

الف. وَ قَدْ مَكَرُوا مَكْرَهُمْ وَ عِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَ إِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ (ابراهیم، ۴۶)؛ و مسلماً نیرنگ خود را عملی کردند و [جزای] نیرنگشان نزد خداست و به راستی نیرنگ آنان برای این بود که [افراد بسان] کوهها از جای بدر روند.

در تفسیر شریف لاهیجی (۶۴۹/۲) به نقل از تفسیر مجمع البیان (۴۹۵/۳) چنین آمده است: «در قرائت شاذه از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت کردند که «و ان کان مکرهم» را «وان کاد مکرهم» قرائت می کرده اند. الله اعلم».

ب. قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَتُنُونِي بِكِتَابٍ مِنْ قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَارَةٍ مِنْ عِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (الاحقاف، ۴)؛ بگو: به من خبر دهید آنچه را به جای خدا می خوانید، چه چیزی را از این زمین آفریده‌اند؟ یا [مگر] در [آفرینش] آسمانها شراکتی داشته‌اند؟ اگر راست می گوئید، کتابی پیش از این [کتاب]، یا بازمانده ای از علم [پیشینیان] برای من بیاورید.

در تفسیر شریف لاهیجی (۱۳۴/۴) به نقل از اصول کافی (۲۹۹/۱) چنین آمده است: «از ابی عبیده روایت شده که گفت: من از حضرت امام همام ابو جعفر الباقر علیه السلام تفسیر آیه "ایتونی بکتاب" را پرسیدم و حضرت فرمود: خواسته است خدای تعالی از کتاب، انجیل و توریه را و از آثاره من علم، علم اوصیاء و انبیاء را و مرویست که قرائت حضرت امیرالمؤمنین (ع) "او اثره" بسکون ثاء مثلثه و اسقاط الف است؛ باین معنی که یا بیاورید یک نوع علمی از علم اوصیاء پیغمبران که آن علم بیقین از جانب خدای تعالی است و معتمد علیه است».

ج. وَ طَلْحُ مَنْضُودٍ (الواقعة، ۲۹)؛ و درخت موزی که میوه اش بر هم چیده شده است.

در تفسیر شریف لاهیجی (۳۵۵/۴) به نقل از شیخ امین الدین طبرسی و تفسیر علی بن ابراهیم (۳۴۸/۲) چنین آمده است: «صاحب کشف آورده است که حضرت امیرالمؤمنین (ع) "و طلع منضود" بعین مهمله قرائت می کردند و می فرمودند: طلع بحاء مهمله معلوم نیست که کدام درختست و آیه "لها طلع نضید" را مؤید این قرائت می آورند. پس شخصی گفت: آنچه در قرآنست طلع بحاء است آن را تغییر بدسیم بطلع به عین؟ حضرت فرمود که تغییر ندهید که قرآن را در این ایام تغییر نباید داد و شیخ امین الدین طبرسی بعد از نقل این حدیث از عامه گفته که "و رواه اصحابنا عن یقوب بن شعیب قال قلت لابی عبد الله (ع) و طلع منضود قال لا، و فی تفسیر علی بن ابراهیم قرأ ابو عبدالله (ع) و طلع منضود».

اما سایر موارد در (۴۴۱/۲ و ۴۴۲ و ۵۲۵ و ۷۱۵) و (۷۹۹/۴) آمده است.

۶.۲. اختلاف در بعضی از حروف با تغییر در صورت و معنا

تحت این عنوان می توان به سه مورد اشاره کرد که یک مورد آن یاد آور می شویم و دو مورد دیگر را ارجاع می دهیم.

وَلَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أُبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (لقمان، ۲۷)؛ و اگر آنچه درخت در زمین است قلم گردد و دریا [مَرکَب شود و] پس از آن هفت دریای دیگر آن را یاری دهد، کلمات خدا پایان نمی پذیرد. به راستی خداوند توانای حکیم است.

در تفسیر شریف لاهیجی (۵۸۶/۳) به نقل از تفسیر جوامع الجامع (۲۵۶/۲) چنین آمده است: «وَقَرَأَ الصَّادِقُ (ع): "وَالْبَحْرُ مَدَادُهُ" یعنی اگر بودی مداد بحر محیط بعد از فَنای مداد آن هفت دریای مثل آن ما نَفَدَتْ کلمات الله».

دو مورد دیگر، یکی آیه ۱۰۰ سوره یوسف (۵۵۹/۲ و ۵۶۰) و دیگری آیه ۳۷ سوره احزاب (۶۳۷/۳ و ۶۳۸) است.

۷.۲. اختلاف در تقدیم و تأخیر

در این زمینه یک مورد در سوره رعد ملاحظه شده است.

لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ (الرعد، ۱۱)؛ برای او (آدمی) فرشتگانی هستند که پی در پی او را از پیش رو و از پشت سر به فرمان خدا محافظت می کنند.

در تفسیر شریف لاهیجی (۵۸۳/۲) در ذیل آیه مذکور و در توضیح «من امر الله» و «مُعَقَّبَاتٌ» چنین آمده است: «در احادیث اهل بیت علیهم السلام وارد شده که این آیه چنانچه مشهور است نازل نشده، زیرا که روایت کرده اند که شخصی این آیه را بنا بر مشهور نزد حضرت صادق علیه السلام قرائت کرد. حضرت فرمود: «كَيْفَ يَحْفَظُ الشَّيْءُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَكَيْفَ يَكُونُ الْمُعَقَّبُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ؟ فَقِيلَ لَهُ: وَكَيْفَ ذَلِكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ فَقَالَ: إِنَّمَا أَنْزَلَتْ: لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ خَلْفِهِ وَ رَقِيبٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ يَحْفَظُونَهُ بِأَمْرِ اللَّهِ»؛ یعنی چون می شود که کسی حفظ کند شخصی را از شداید و آلام نازل خدای تعالی؟ و چون می باشد معقب بمعنی از پس سر کس در آینده بمعنی پیش روی کسی؟ زیرا که میان ایندو معنی منافات ظاهر است. پس آن قاری گفت: ای پسر رسول خدا، در این

صورت آیه چطور خواهد بود؟ حضرت فرمودند که: آیه این چنین نازل گردانیده شده که "له معقبات من خلفه و رقیب من بین یدیه یحفظونه بامر الله"؛ یعنی مرا آنکس راست در آینده از پس سر او و موکلی از پیش روی که حفظ می کنند. او را از حوادث و شداید بفرمان خدای تعالی و موافق این حدیث به تفاوت سهلی وارد شده که "انها قرئت عند ابی عبدالله (ع) فقال لقائلها: أستم عرباً فكيف يكون المعقبات من بین یدیه و انما المعقب من خلفه؟ فقال الرجل: جعلت فداك كيف هذا؟ فقال: انما انزلت: له معقبات من خلفه و رقیب من بین یدیه یحفظونه بامر الله، و من ذا الذی یقدر أن یحفظ الشئ من أمر الله وهم الملائكة الموكلون بالناس".

۲. ۸. اختلاف در زیادتی و نقصان به یک حرف

در این نوع از اختلاف قرائت، شریف لاهیجی روایاتی را از اهل بیت (ع) نقل کرده است که در آنها قرائت ائمه هدی (ع) با قرائت مشهور، در یک حرف - به زیادتی یا به کاستی - اختلاف دارد:

الف. زیادتی در یک حرف؛ مانند: وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (آل عمران، ۱۰۴)؛ و باید از شما گروهی باشند که به خیر و نیکی فرا بخوانند و به خوبی فرمان دهند و از زشتی باز دارند، و آنان همان رستگارانند.

در تفسیر شریف لاهیجی (۳۶۱/۱) به نقل از تفسیر مجمع البیان (۸۰۷/۱) چنین آمده است: «از حضرت صادق (ع) روایت شده که نزول آیه این چنین است که: "ولتكن منكم ائمة يدعون الى الخير" چنانچه آیه بعد از این نیز "و كنتم خير ائمة اخرجت للناس" است و در لغت نیز "ائمه" به معنی ائمه آمده.»

نیز مانند: أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ (هود، ۵)؛ آگاه باشید! آنها دل‌های خود را می-گردانند تا...».

در تفسیر شریف لاهیجی (۴۱۰/۲) به نقل از مجمع البیان (۲۱۵/۳) چنین آمده است: «قرائت حضرت علی بن الحسین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام "یثنون" بر وزن "یفعل" است مشتق از "ثنی" بمعنی اعراض و میل از چیزی

و باب "یفوعل" بجهت مبالغه است؛ یعنی ایشان مبالغه بسیار می کنند در انحراف دادن دل‌های خود و میل فرمودن دل‌های خود بسوی عداوت حضرت رسالت پناه(ص).
ب. نقصان در یک حرف، مانند: یَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ (المائدة، ۹۵)؛ دو مرد عادل از شما بر آن حکم کنند...».

در تفسیر شریف لاهیجی (۱/۷۰۳ و ۷۰۴) در توضیح آیه فوق به نقل از روضه کافی روایت ذیل را از امام صادق (ع) نقل کرده، سپس در ادامه گفته به همین مضمون روایاتی نیز در تفسیر عیاشی (۲/۷۸) از امام باقر آمده است: «قرائت امامین سیدین صادقین امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام "ذوعدل" بصیغه مفرد است و بر این تقدیر مراد امام است یا نایب خاص یا نایب عام او و چون در این مقام مطلب بیان حکم است، کلام یک عادل کافی است و دو عادل در دعوی ضرور است و در اینجا دعوی تحقق ندارد، و فی روضه الکافی عن حماد بن عثمان قال: تلاوت عند أبي عبدالله (ع) "ذوا عدل منکم"، فقال علیه السلام: ذو عدل منکم هذا مما أخطأت فيه الكتاب؛ یعنی حماد بن عثمان گفت: تلاوت کردم نزد حضرت صادق(ع) بقرائت مشهور که آن ذوا عدلست بصیغه تننیه امام فرمود که: آنچه نازل شده ذو عدل بصیغه مفرد است و این از جمله آن چیزهاست که کاتبان قرآن خطا کرده. الف زیاده نموده‌اند و محمد بن مسعود عیاشی از حضرت اُبی جعفر الباقر(ع) نیز به همین مضمون روایت کرده است.

و نیز مانند: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ (آل عمران، ۹۲)؛ هرگز به نیکی نخواهید رسید تا اینکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید...

در تفسیر شریف لاهیجی (۱/۳۵۱) به نقل از کتاب روضه کافی (۸/۱۸۳) چنین آمده است: «حضرت صادق (ع) بازاء مما تحبون "ما تحبون" تلاوت می کرده‌اند و امر می کردند اصحاب را بخواندن "ما تحبون" بحذف کلمه "من" یعنی ادراک نیکوئی نمی کنید تا آنکه انفاق کنید آنچه را از نفایس اموال که محبوب شما باشد. بعضی از قراء نیز به این روش خوانده اند.»

همچنین مانند: مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا (البقرة، ۱۰۶)؛ هر گاه آیه ای را نسخ کنیم یا آن را ترک نمائیم، بهتر از آن یا مانند آن را می آوریم....

در تفسیر شریف لاهیجی (۹۷/۱ و ۹۸) به نقل از عیاشی (۱۵۰/۱ و ۱۵۱) چنین آمده است: «کلمه "او" در "او مثلها" زائد است نه مجموع کلمه "أو مثلها" و مراد از "نسخ آیه" در باطن قرآن موت امامی است و آوردن امامی دیگر. عبارت حدیثی که در تفسیر عیاشی مذکور این است "عن عمر بن یزید قال: سألت ابا عبد الله (ع) عن قول الله عزوجل: ما ننسخ من آية او ننسها نأت بخير منها او مثلها، فقال: كذبوا ما هكذا هي اذا كان ينسخها و يأت بمثلها لم ينسخها، قلت: هكذا قال الله! قال: ليس هكذا قال الله تبارك و تعالی، قلت: وكيف قال؟ قال: ليس فيها الف و لا واو، قال: ما ننسخ من آية أو ننسها نأت بخير منها مثلها، يقول: ما نمت من امام او ننسه ذكره نأت بخير منه من صلبه مثله" یعنی عمر بن یزید گفت: سؤال کردم از حضرت صادق (ع) از تفسیر آیت "ما ننسخ من آية او ننسها نأت بخير منها او مثلها" حضرت فرمود: کسانی که آیت را چنین قرائت کرده اند دروغ گفتند. این آیت این چنین نازل نشده؛ زیرا که هرگاه آیتی را نسخ کند و بیاورد مثل آن در جمیع جهات چنانچه ظاهر از "مثلها" است؛ پس آن آیت را نسخ نکرده باشد. عمر بن یزید گفت: اینچنین که - آیت را خوانده ام - گفته است خدای تعالی. حضرت فرمود: این چنین نگفته خدای تعالی. گفتم به چه عبارت گفته؟ حضرت فرمود: در این آیت الف و واو "او مثلها" زاید است، و حق تعالی آیت را این چنین گفته که: "ما ننسخ من آية او ننسها نأت بخير منها مثلها" و می گوید خدای تعالی بحسب باطن قرآن که: هرگاه بمیرانیم ما امامی را به موت یا فراموش گردانیم ذکر او را به غیر موت - یعنی شهادت - می آوریم، امامی بهتر از او برای اهل عصر، از صلب او، که مثل آن امام باشد در عصمت و در شرایط امامت».

۲.۹. اختلاف در ابدال و جایگزینی

این موضوع را طی سه عنوان بررسی می کنیم.

الف. جایگزینی و ابدال در حرف؛ مانند: لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ (التوبة، ۱۱۷)؛ به یقین خداوند [به وسیله] پیامبر توبه مهاجرین و انصار را که در زمان سختی از او پیروی کردند، پذیرفت.

در تفسیر شریف لاهیجی (۳۲۴/۲ و ۳۲۵) به نقل از تفسیر مجمع البیان (۱۱۸/۲) و ۱۲۰ چنین آمده است: «وقد روی عن الرضا علی بن موسی علیهما السلام أنه قرأ "لقد

تاب الله بالنبی علی المهاجرین و الانصار". در کتاب احتجاج از ابان بن تغلب روایت کرده است که حضرت صادق(ع) این آیت را این چنین قرائت کردند "لقد تاب الله بالنبی علی المهاجرین و الانصار". ابان گوید که من گفتم: ای پسر عم رسول خدا، عامه این آیت را بر این نوع تلاوت نمی‌کنند. حضرت فرمود که ایشان چه قسم تلاوت می‌نمایند؟ پس گفتم: ایشان می‌خوانند: "لقد تاب الله علی النبی و المهاجرین و الانصار". حضرت فرمود که "ویل باد بر ایشان. پیغمبر خدا چه گناه کرده بود که بدان جهت محتاج به توبه شود و حق تعالی قبول توبه او کند؟ بلکه حق سبحانه و تعالی بوسیله پیغمبر رفیع القدر خود توبه امت او و توبه مهاجرین و انصار او را قبول کند».

نیز مانند: یا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ (التوبة، ۷۳)؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن....

در تفسیر شریف لاهیجی (۲/۲۹۱ و ۲۹۲) پس از تذکر این نکته که آیه مذکور در سوره تحریم نیز آمده، به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم چنین آورده است: «پوشیده نماند که آیت "جاهد الکفار والمنافقین" چنانچه در این سوره نازل شده در سوره مبارکه تحریم نیز نازل گشته و علی بن ابراهیم در آنجا از حضرت صادق(ع) روایت کرده که نزول آیه "والمنافقین" است بواو عطف و بعد از این حضرت در بیان معنی آیت چنین فرمودند که جهاد کرد رسول الله (ص) با کفار و جهاد کرد علی(ع) با منافقین و جهاد علی مثل جهاد رسول الله (ص) است؛ لهذا حق تعالی بحسب ظاهر پیغمبر خود را مأمور ساخت به جهاد کردن با این دو گروه. و فی الحقیقه معنی اینست که ای پیغمبر تو با نفس نفیس خود با کفار جهاد کن و علی را مأمور ساز که بعد از تو با منافقین جهاد کند. چنانچه در جنگ جمل و صفین بحیز ظهور آمد و چون علی بن ابراهیم رحمه الله در سوره توبه هم قرائت مشهوره را روایت کرده و هم قرائت غیرمشهوره را که "بالمنافقین" است. در سوره تحریم همین قرائت مشهوره را فقط روایت کرده. با تأویل آن معلوم می‌شود که در سوره تحریم "بالمنافقین" قرائت نشده و بعضی از فضلاء عصر را اعتقاد اینست که دو قرائت در هر دو سوره مرویست؛ چنانچه در تفسیر مجمع البیان ظاهر می‌شود و حدیث سوره تحریم در سوره توبه نیز روایت شده، الله اعلم بحقایق الامور».

ب. جایگزینی و ابدال در اسم؛ مانند: وَ تَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْتُمْ تُكذَّبُونَ (الواقعة، ۸۲)؛

و روزی خود را تکذیب آن قرار می دهید؟

در تفسیر شریف لاهیجی (۳۷۲/۴) به نقل از تفسیر جوامع الجامع (۵۶۷/۲) چنین آمده است: «عن علی(ع) انه قرأ و تجعلون شکرکم، و روی عن الباقر و الصادق علیهما السلام، و ابو عبدالرحمن سلمی نیز از حضرت امیرالمومنین(ع) روایت کرده که آن حضرت در حین قرائت سوره واقعه این آیه را چنین می خواند که "و تجعلون شکرکم انکم تکذبون" و می فرمودند که حضرت رسالت پناه نیز چنین تلاوت می-کردند».

نیز مانند: وَ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ (آل عمران، ۱۲۳)؛ و مسلماً خداوند شما را [در جنگ بدر] در حالی که ناتوان بودید، یاری کرد....

در تفسیر شریف لاهیجی (۳۷۲/۱ و ۳۷۳) به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم و تفسیر مجمع البیان چنین آمده است: «از حضرت صادق(ع) روایت شده که آن حضرت این آیه را "و انتم ضعفاء" قرائت می کردند و می فرمودند که با وجود حضرت رسالت پناه در میان ایشان جایز نیست توصیف ایشان بأذله بلکه "و انتم ضعفاء" نازل شده. روی محمد بن مسعود العیاشی عن ابي بصير قال: قرأت عند ابي عبد الله (ع) و لقد نصرکم الله ببدر و انتم اذلة، "فقال: مه! لیس هكذا أنزلها الله انما انزلت و انتم قليل؛ یعنی ابوبصیر گوید که در پیش حضرت صادق(ع) قرائت کردم که "ولقد نصرکم الله ببدر وانتم اذلة" حضرت فرمود: این چنین مگو که آیه را خدای تعالی این چنین نازل نگردانیده؛ بلکه "و انتم قليل" نازل شده و بعضی از معاصرین ارباب حدیث در رفع تنافی میان این دو حدیث چنین گفته اند که مراد از "انما انزلت و انتم قليل" اینست که این آیه به این معنی نازل شده؛ نه به این لفظ و در واقع مؤدای ضعیف و قليل یکیست.

ج. ابدال و جایگزینی در فعل؛ مانند: هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ (ص، ۳۹)؛ این عطای ماست، پس [آن را به هر که خواهی] بی حساب ببخش، یا [از او] بازدار.

در تفسیر شریف لاهیجی (۸۳۱/۳) به نقل از اصول کافی (۵۰۵/۱) چنین آمده است: «از حضرت صادق(ع) روایت شده که قرائت حضرت امیرالمؤمنین(ع): "فامنن او اعط بغیر حساب" است و بنابراین فامنن بمعنی فاقطع خواهد بود. چنانچه اسمعیل

بن حماد الجوهری در کتاب صحاح اللغه گفته که المن: القطع؛ یعنی پس اگر خواهی منع و قطع عطا کن و اگر خواهی عطا کن بعکس قرائت مشهوره».

۲. ۱۰. اختلاف در تصریف افعال

این عنوان کلی که خود به عناوین دیگری قابل تقسیم است، پس از عنوان «اختلاف در حذف» بیشترین شواهد را از تفسیر شریف لاهیجی به خود اختصاص می‌دهد که در اینجا به شماری از آنها اشاره می‌کنیم.

از آنجا که ذکر شواهد برای همه عناوین، خارج از حوصله این مقاله است، تنها دو مورد از «اختلاف در صیغه های فعل» را بیان کرده و سایر موارد را ارجاع می‌دهیم.

الف. اختلاف در صیغه های فعل؛ مانند: وَ أَدْنُ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوكَ رِجَالاً وَ عَلِي كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (الحج، ۲۷)؛ و در میان مردم برای [انجام مراسم] حج بانگ برآور تا پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می آیند - رو به سوی تو آورند.

در تفسیر شریف لاهیجی (۱۷۸/۳ و ۱۷۹) به نقل از تفسیر جوامع الجامع (۸۱/۲) چنین آمده است: «و قرأ الصادق (ع) "یاتون" بالواو صفة للرجال و الركبان». نیز مانند: وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ (آل عمران، ۳۶)؛ و خداوند به آنچه او زاید دانتر بود.

در توضیح این آیه در تفسیر شریف لاهیجی (۳۱۸/۱) چنین آمده است: «بعضی "وضعت" بخطاب خوانده اند که تا خطابی باشد از جانب الله به زن عمران و از حضرت امیرالمؤمنین (ع) مرویست که "وضعت" بصیغه متکلم است. بنابراین، این نیز کلام زن عمران است؛ یعنی خدای دانتر است به چیزی که من زائیده ام».

البته شریف لاهیجی منبع روایت را ذکر نکرده است؛ ولی در کتاب "معجم القراءات القرآنية" (۲۳/۱) این قرائت را از حضرت امیر (ع) روایت کرده است.

۲. ۱۱. اختلاف در حذف

این عنوان بیشترین حجم اختلاف قرائت اهل بیت (ع) را با قرائت مشهور در تفسیر شریف لاهیجی، به خود اختصاص می‌دهد که به عنوان نمونه شواهدی از آن را در اینجا نقل می‌کنیم و به علت خوف از اطباب، شماری از آنها را نیز ارجاع می‌دهیم.

مجموع موارد اختلاف در حذف به بیست و یک مورد می رسد که در چهارده مورد آن - به شرح زیر - اسم خاص به کار رفته است:

الف. در هفت آیه عبارت «فی علی» حذف شده است که به عنوان نمونه دو مورد آن را ذکر می کنیم و سایر موارد را ارجاع می دهیم.

یکی مانند: *وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا (البقرة، ۲۳)*؛ و اگر درباره آنچه بر بنده خویش فرو فرستادم، شک دارید...

در تفسیر شریف لاهیجی (۲۱/۱) به نقل از کتاب کافی (۴۸۱/۱) چنین آمده است: «از حضرت امام محمد باقر(ع) روایت شده که جبرئیل این آیت را اینچنین بر پیغمبر نازل ساخته که "و ان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فی علی".

دیگری مانند: *لَٰكِنِ اللّٰهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ (النساء، ۱۶۶)*؛ لیکن خدا، به آنچه به تو نازل کرده گواهی می دهد....

در تفسیر شریف لاهیجی (۵۹۱/۱) به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم قمی (۲۵۶/۲) چنین آمده است: «از حضرت صادق(ع) روایت شده که این آیه این چنین نازل شده که "لکن الله یشهد بما انزل الیک فی علی" و بنابراین معنی آیه چنین می شود که "اگر چه منافقین قبول ولایت و خلافت مرتضی علی که نازل بر تو شده نمی کنند، لیکن خدای تعالی شهادت می دهد بر آنچه نازل شده بر تو از ولایت علی بن ابی طالب(ع) [انزله بعلمه. انزال کرده خدای تعالی قرآن را یا ولایت امیرالمؤمنین را حالکونیکه متلبس بود بعلم کامل خود. این آیت دلالت دارد بر کمال اعجاز قرآن زیرا که هرگاه شخصی بگوید که «فلان عالم تصنیفی که کرده بکمال علم خود کرده معلوم می شود که آن تصنیف در غایت جودتست و بنابر حدیث حضرت صادق(ع) دلالت دارد بر کمال اهلیت حضرت امیرالمؤمنین(ع) مر ولایت خلائق را، چه هرگاه بگویند که فلان پادشاه فلان کس را به علم کامل خود متولی امور سلطنت کرده بیقین معلوم می شود که آن کس در غایت اهلیت است. [و الملائكة یشهدون] و فرشتگان نیز گواهی بر آن می دهند [و کفی بالله شهیداً] و بس است خدای تعالی گواه بر حقیقت قرآن یا به ولایت علی امیرمؤمنان علیه صلوات الله الملک المنان».

اما سایر موارد عبارت‌انداز: آیه ۲۷ سوره بقره (۲۶/۱)؛ آیه ۹۰ سوره بقره (۵۶/۱)؛ آیه ۴۷ سوره نساء (۴۸۴/۱ و ۴۸۵)؛ آیه ۲۲ و ۲۳ سوره جن (۶۰۷/۴) و آیه ۲ سوره محمد (۱۶۱/۴ و ۱۶۲).

ب. در دو آیه عبارت «فی ولایه علی» حذف شده است که یک مورد آن را ذکر می‌کنیم و مورد دیگر را ارجاع می‌دهیم.

قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا * إِلَّا بَلَاغًا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا (الجن، ۲۲-۲۳)؛
 بگو: بی تردید هرگز کسی مرا از [عذاب] خدا پناه نمی‌دهد و هرگز جز او پناهگاهی نمی‌یابم * [وظیفه من نسبت به شما] تنها ابلاغ از سوی خدا و [رساندن] پیامهای اوست و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند، پس به راستی آتش جهنم برای اوست که برای همیشه در آن جاودانند.

در تفسیر شریف لاهیجی (۶۰۷/۴) به نقل از اصول کافی (۵۰۰/۱) چنین آمده است: «از محمد بن فضیل روایت کرده که من از حضرت امام موسی الکاظم (ع) از آیه "قل انی لن یجیرنی من الله احد و لن اجد من دونه ملتحد الا بلاغا من الله و رسالاته" پرسیدم، حضرت فرمود: این آیه این چنین نازل شده که "قل انی لن یجیرنی من الله ان عصیته احد و لن اجد من دونه ملتحد الا بلاغا من الله و رسالاته فی علی و من یعص الله و رسوله فی ولایه علی فان له نار جهنم خالدین فیها".

اما مورد دیگر در آیه ۱۷۰ سوره نساء (۵۹۴/۱) آمده است.

ج. در دو آیه «آل محمد حقههم» حذف شده است که یک آیه آن را ذکر می‌کنیم و آیه دیگر را ارجاع می‌دهیم.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرَ لَهُمْ (النساء، ۱۶۸)؛ بی گمان کسانی که کافر شدند و ستم کردند، خداوند هرگز آنان را نمی‌آمرزد....

در تفسیر شریف لاهیجی (۵۹۲/۱) به نقل از تفسیر علی بن ابراهیم (۱۵۹/۱) چنین آمده است: «قرأ أبو عبد الله (ع) هذه الآية هكذا: "ان الذين كفروا و ظلموا آل محمد و حقههم" و در اصول کافی از حضرت امام باقر (ع) روایت کرده که آن حضرت فرمودند که "نزل جبرئیل (ع) هذه الآية هكذا: ان الذين ظلموا آل محمد حقههم".

مخفی نماند که عبارت «و کفروا» درین حدیث افتاده و احتمال قریب اینست که این اسقاط از قلم بعضی ناسخین «کافی» ناشی شده باشد؛ چنان که بعضی این حدیث را چنین نقل کرده‌اند: «نزل جبرئیل هذه الایة هكذا: ان الذين كفروا و ظلموا آل محمد حقهم» و حدیثی که علی بن ابراهیم از حضرت صادق(ع) روایت کرده است، دلالت صریح بر این دارد و بعضی از معاصران که متعرض شرح احادیث کافی شده‌اند، گفته‌اند: این اختصاری است که حضرت انجام داده است؛ اشارت بر آن که «و ظلموا» عطف تفسیری لفظ «کفروا» است و بعضی از مترجمین معاصرین تصریح کرده‌اند که آنچه حضرت فرموده، تفسیر این آیه است که آن نیز مانند این آیه از جانب الله بر پیغمبر او به توسط جبرئیل نازل شده و علی‌ای تقدیر حضرت امام محمد باقر(ع) فرموده است که جبرئیل این آیت را این چنین نازل ساخت که به درستی که آل محمد را ظلم کردند و غصب حق ایشان نمودند.

مورد بعدی آیه ۵۹ سوره بقره است که در (۵۶/۱) آمده است.

د. در چهار آیه نیز عباراتی به شرح ذیل حذف شده است:

- آیه ۷۱ سوره احزاب (۶۶۵/۳) عبارت «فی ولایة علی و الائمة من بعده»
- آیه ۲ سوره معارج (۵۷۵/۴) عبارت «بولاية علی»
- آیه ۱۰۳ سوره آل عمران (۳۶۰/۱) عبارت «بمحمد»
- آیه ۳۳ سوره آل عمران (۳۱۶/۱) عبارت «آل محمد»

هـ. سایر موارد که از ذکر آنها خودداری و تنها ارجاعات آنها را بیان می‌کنیم، به

این قرار است:

آیه ۱۶۰ سوره نساء (۵۸۷/۱)؛ آیه ۸۰ سوره کهف (۹۲۰/۲)؛ آیه ۵۲ سوره حج (۱۹۹/۳)؛ آیه ۲۱۴ سوره شوری (۴۰۰/۳ و ۴۰۱)؛ آیه ۶ سوره احزاب (۶۱۱/۳ تا ۶۱۴)؛ آیه ۷۱ سوره احزاب (۶۶۵/۳)؛ آیه ۱۲ سوره مومن (۹۰۱/۳) و آیه ۲۲ سوره جن (۶۰۷/۴).

نتایج

نتایجی که از مباحث حاصل شد، به این قرار است:

۱. شریف لاهیجی، روایات اختلاف قرائات را غالباً از کتب معتبری همچون تفسیر مجمع البیان، جوامع الجامع، علی بن ابراهیم، عیاشی و کتاب کافی نقل کرده و در مواردی نیز هیچ اشاره‌ای به منبع حدیث نکرده است که البته ما منبع آن را از «معجم قراءات القرآنیة» ذکر کرده ایم.
۲. در برخی موارد راوی حدیث را از جنبه رجالی توثیق کرده و نشان داده که تا حدی مضمون و مفهوم حدیث او را پذیرفته است.
۳. در برخی موارد هیچ اظهار نظری پس از نقل روایت ندارد و تنها در آخر مطلب، به جمله "والله اعلم" اکتفاء کرده است و بعضاً نیز در توجیه و تبیین و رفع تنافی بین روایاتی که در ذیل آیات نقل کرده، نظر معاصرین خود را آورده و بدون هیچ اظهار نظری قطعی، با عبارت «الله اعلم بحقائق الامور» کلام را در آن قسمت به پایان رسانده است.
۴. در مواردی نیز روایات دالّ بر اختلاف قرائت ذیل آیات را به عنوان تفسیر و تبیین آیه تلقی کرده و به اصطلاح تفاوت قرائت را به عنوان "وحی بیانی" پذیرفته و این نکته را به برخی از مترجمان یا شارحان احادیث معاصر خود نسبت داده است؛ بدون آن که به صراحت نامی از آنها ببرد.
۵. در برخی موارد نیز بنا به روایاتی که ذکر نموده، به صراحت قائل به تغییر و تبدیل شده و از واژگانی چون محرفین استفاده کرده و مدعی شده که روایات در این باب به حد تواتر معنوی رسیده و انکار آن جرأتست.

کتاب‌شناسی

قرآن کریم

ابن جزری، احمد بن محمد، غایة النهایة فی طبقات القراء، برگشتراسر، قاهره، مطبعة مکتبة

الخانجی، ۱۳۵۱ق

حر عاملی، محمدبن حسن، امل الآمل، تحقیق سید احمد حسینی، افست از مکتبة الاندلس، بغداد،

۱۴۱۴ق

خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، مطبعة الآداب، نجف اشرف، ۱۳۸۵ق

زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، دار الکتب العربی، بیروت

زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، مؤسسة الاعلمی، بیروت، ۱۳۸۸ق
مختار عمر، احمد و سالم مکرم، عبدالعال، معجم القراءات القرآنیة، اسوه، ۱۴۱۲ق
طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ق

طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، تهران، ۱۴۲۱ق
همو، جوامع الجامع فی تفسیر القرآن المجید، للطبعة و النشر، دار الکتب، قاهره، ۱۳۵۷ق
فضلی، عبدالهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، ترجمه سید محمد باقر حجتی، اسوه، بی تا

قرطبی، محمد بن احمد انصاری، الجامع لاحکام القرآن، مطبعة دارالکتب، قاهره، ۱۳۵۷ق
قمی، ابی الحسن علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، المصحح: السید طیب الجزائری، مؤسسة دارالکتب للطباعة و النشر، قم، ۱۴۰۴ق

قمی، شیخ عباس، الکنی و الالقاب، انتشارات اسلامیه، ایران، ۱۳۵۱ش
همو، سفینه البحار، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۳ش
کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الاصول من الکافی، تصحیح: الدكتور یوسف البقاعی، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۳ق

همو، الروضة من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش
عاملی، سید جعفر مرتضی، پژوهشی نو درباره قرآن کریم، ترجمه محمد سپهری، شورای هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۴ش

عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر، قسم الدراسات الاسلامیه، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۲۱
معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، انتشارات یاران، قم، ۱۳۸۰ش